Human Information Interaction. Vol. 9, No. 4 (Winter 2023):68-*82*.
http://hii.khu.ac.ir
Original Article

Drivers and inhabitants of Iranian knowledge and information science PhD students towards study

*** Mohammad Reza Shekari**: Ph.D., Knowledge and Information Science Department, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding author) shekari.scu@gmail.com

Mohammad Hassan Zadeh: Professor, Knowledge and Information Science Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Received: 2022/11/02 Received in revised form: 2023/02/01 Accepted: 2023/02/12 Published online: 2023/03/03

Abstract

Introduction: A thorough understanding of the drivers and inhabitants to the study can provide the basis for effective planning to improve the study. The aim of this study was to investigate the driving and inhibitory factors affecting the tendency of Iranian knowledge and information science PhD students towards study.
Methods: This research was conducted with a qualitative approach and using content analysis method. The data collection tool was an in-depth semi-structured interview. The interviews were conducted through face-to-face visits, telephone calls, e-mails, sending and receiving audio files and conversations on social media. PhD students in knowledge and information science at state universities, Payame-Nour Universities, and Islamic Azad Universities form the research community, and 33 people were selected as the research sample using targeted sampling.
Results: The results show that four factors of "professor", "compulsion", "personal promotion" and "interest" were the driving factors among doctoral students and seven factors were "professor", "family". "Access problems", "ambiguous future", "problems and weaknesses of the educational system", "growth of the spirit of need to study" and "non-participation in teaching" have been identified as deterrents factors.
Conclusion: The drivers and inhabitants of the study are very intertwined and interrelated. Some of these factors affect others and are in some way the cause and effect of each other. To strengthen effective factors and reduce barriers to study, it requires more effort from professors and programmers at the macro level, libraries and librarians, politicians, and more effort and planning from doctoral students themselves. It is necessary for the education system and the education system in universities to get out of the monolithic system and to be the speaker of unity. In this way, students are less likely to study and research until there are fundamental changes in teaching methods and curriculum content in the education system. For the first time, this study examines the most important factors and barriers to the advancement of PhD students in information science, and the results provide qualitative factors for the context of the research community. And it can be used in planning and policy making for the doctoral program of the field. Since no research has been done in this field so far, the present study can be considered as a new research in this field.
Keywords: PhD students, inhabitant's factors, Drivers factors, study and reading, knowledge and information science

Conflicts of Interest: Not reported.
Funding: It did not have a financial sponsor.

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

How to cite this article

APA: Shekari, M. R., Hassan Zadeh, M. Drivers and inhabitants of Iranian knowledge and information science PhD students towards study. Human Information Interaction, 9 (4): 68-82. (Persian).

Vancouver: Shekari, M. R., Hassan Zadeh, M. Drivers and inhabitants of Iranian knowledge and information science PhD students towards study. Human Information Interaction, 9 (4); 68-82 (Persian)

The journal of *Human Information Interaction* is supported by Kharazmi University, Tehran, Iran.
This work is published under CC BY-NC-SA 3.0 licence.

جلد نهم، شماره چهارم (زمستان ۱۴۰۱): ۸۲-۶۸
http://hii.khu.ac.ir
مقاله اصیل پژوهشی

پیشران‌ها و بازدارنده‌های گرایش دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران به مطالعه

*محمدرضا شکاری: دانش‌آموخته‌ی دکتری، علم اطلاعات‌و دانش‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) shekari.scu@gmail.com

محمد حسن‌زاده: استاد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بررسی عوامل پیشران و بازدارنده‌ی موثر بر گرایش دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی به مطالعه هدف این پژوهش است.

روش پژوهش: این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل‌محتوا انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بوده است. مصاحبه‌ها از طریق مراجعه حضوری، تماس تلفنی، پست الکترونیکی، ارسال و دریافت فایل صوتی و گفت‌وگو در شبکه‌ی اجتماعی واتس‌اپ انجام شده است. دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه‌های دولتی، پیام‌نور و آزاد اسلامی جامعه پژوهش را تشکیل می‌دهند که با استفاده از نمونه‌گیری هدف‌مند، تعداد ۳۳ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

یافته‌ها: چهار عامل «استاد»، «اجبار»، «ارتقاء» و «علاقه» به عنوان عوامل پیشران مطالعه در بین دانشجویان دکتری بوده‌اند و هفت عامل «استاد»، «خانواده»، «مشکلات دسترسی»، «آینده مبهم»، «مشکلات و ضعف‌های نظام آموزشی»، «رشد روحیه بی‌نیازی از مطالعه» و «عدم مشارکت در تدریس» به عنوان عوامل بازدارنده شناسایی شده‌اند.

نتیجه‌گیری: عوامل پیشران و عوامل بازدارنده از مطالعه، بسیار درهم‌تنیده بوده و به‌هم مرتبط هستند. برخی از این عوامل بر برخی دیگر تأثیر می‌گذارند و به نوعی علت‌ومعلول یک‌دیگرند. برای تقویت عوامل مؤثر و کاهش عوامل بازدارنده به مطالعه، تلاش بیشتر اساتید و برنامه‌ریزان درسی در سطح کلان، کتابخانه‌ها و کتابداران، سیاست‌مداران، و تلاش و برنامه‌ریزی بیشتر خود دانشجویان دکتری را می‌طلبد. لازم است تا نظام تعلیم و تربیت و نظام آموزش در دانشگاه‌ها از نظام تک‌متنی و متکلم‌وحده بودن خارج شود. تا تغییرات بنیادی در روش‌های تدریس و محتوای درسی در نظام آموزشی به وجود نیاید، دانشجویان کمتر به مطالعه و پژوهش روی می‌آورند.

کلمات کلیدی: خواندن، دانشجویان دکتری، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، عوامل بازدارنده، عوامل پیشران، مطالعه

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۱۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

تعارض منافع: گزارش نشده است.
منبع حمایت کننده: حامی مالی نداشته است.

شیوه استناد به این مقاله

APA: Shekari, M. R., Hassan Zadeh, M. Drivers and inhabitants of Iranian knowledge and information science PhD students towards study. Human Information Interaction, 9 (4): 68-82 (Persian).

Vancouver: Shekari, M. R., Hassan Zadeh, M. Drivers and inhabitants of Iranian knowledge and information science PhD students towards study. Human Information Interaction, 9 (4); 68-82 (Persian).

انتشار مجله تعامل انسان و اطلاعات با حمایت مالی دانشگاه خوارزمی انجام می‌شود.
انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC-SA 3.0 صورت گرفته است.

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

مقدمه

در طول تاریخ، همواره نیاز به مطالعه و آگاهی در بین بشر وجود داشته و تنها، شکلِ مطالعه و محمل‌های آن تغییر پیدا کرده است. فواید مختلفی برای مطالعه ذکر شده که از جمله می‌توان به "رهایی انسان از زندان تاریک جهل، گسترش افق دید وی و تصمیم‌گیری به دور از شتاب‌زدگی، پیدا کردن راه‌حل‌های مختلف برای مشکلات، برقراری ارتباط با دیگران، افزایش اعتماد به‌نفس، آشنایی با افکار نو، سپری‌کردن اوقات فراغت، افزایش دانش و تسریع رشد فکری" اشاره کرد (تقی پناهی و دیانی، ۱۳۸۷).

توسعه شرط بقا و حیات یک جامعه است. دنیای امروز با سرعت در حال حرکت و تکامل است، در چنین شرایطی موفقیت از آنِ جوامعی است که همگام با این تحولات حرکت می‌کنند (صفوی، ۱۳۹۲). توسعه‌ی فرهنگی هر جامعه نیز در گرو گسترش فرهنگ کتابخوانی و مطالعه است و کتاب و کتاب‌خوانی یکی از عوامل مهم پیشرفت و اعتلای فرهنگ هر جامعه است؛ زیر هر چه سطح بینش و آگاهی عمومی بیشتر باشد، آن جامعه در پیشبرد اهداف ملی و فراملی خود موفق‌تر خواهد بود (معرف‌زاده و ایرجی، ۱۳۸۹). امروزه مقصود از مطالعه تنها محدود به کتاب و آن‌هم کتاب کاغذی نیست. تعریف مطالعه نیازمند داشتن دیدی وسیع و در ادامه استفاده از تمامی منابع اطلاعاتی موجود است. با گسترش فناوری‌های جدید، خواندنِ وبلاگ‌ها، مطالب پیام‌رسان‌ها و مانند آن را نیز جزئی از مطالعه در نظر می‌گیرند. به عبارت دیگر محمل‌های منابع اطلاعاتی تغییر کرده و شاید بتوان همه‌ی این‌ها را نیز جزئی از منابع مطالعه در نظر گرفت.

فرهنگ مطالعه به بهبود استانداردهای آموزشی در مجامع علمی کمک می‌کند (کاچالا[1]، ۲۰۰۷). مطالعه قادر است تا بر نگرش‌ها، باورها و رفتارهای فرد اثر بگذارد و شرایط زندگی را در آموزشگاه‌ها و جامعه و در میان استادان، معلمان و فراگیران تغییر دهد. مطالعه افراد را قادر می‌سازد تا بر اساس یک اصول منطقی فکر کنند و تنها در صورت ترویج فرهنگ آن است که می‌تواند تعمیق یافته و در جامعه پایدار بماند (ژوبرت و همکاران[2]، ۲۰۱۴).

بررسی مطالعه در میان گروه‌های مختلف، به توسعه دانش عمیق در این زمینه کمک خواهد کرد. چون از طریق این بررسی‌ها می‌توان به شناخت دلایل گرایش یا عدم گرایش افراد به مطالعه پرداخت، و با چاره‌جویی، در صدد رفع موانع آن برآمد.

یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی که با مطالعه بسیار درگیرند، دانشجویان هستند. امروزه موفقیتِ تحصیلی دانشجویان، به‌عنوان یک شاخص مهم برای ارزیابی نظام‌های آموزشی مورد توجه قرارگرفته است. از سوی دیگر، وجود اساتید مجرب، آموزش، فناوری، امکانات فیزیکی و کارکنان اداری را می‌توان از جمله عواملی دانست که در کیفیت خدمات آموزشی دانشگاه اثرگذار هستند (رعنایی، شمشیری، علی‌محمدلو و نظری، ۱۳۹۶). علاوه‌بر این، پیشرفت و موفقیت تحصیلی همواره برای استادان، دانشجویان، والدین، نظریه‌پردازان و پژوهشگران نیز اهمیت داشته است. در این میان، پژوهشگران به موفقیت تحصیلی بیشتر از سایر متغیرها توجه می‌کنند. زیرا آنچه می‌تواند یک فرد، خانواده و در نهایت یک کشور را در مسیر پیشرفت، بیش از همه یاری دهد، بهره‌مندی از افرادی است که در امر آموزش، تحصیلات خود را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند (ظریف قاسمیان، ۱۳۹۵).

در این بین، بعضی از مشکلات چنان عمومیت دارند و گریبان‌گیر جامعه هستند که مردم آن‌ها را احساس نمی‌کنند و نمی‌بینند، در حقیقت می‌بینند ولی آن‌ها را عادی می‌پندارند و تصور می‌کنند که باید چنان باشد. از آن جمله، مسئله‌ی «مطالعه» است (صراف‌تهرانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱). کمبود مطالعه و به‌خصوص نقصان این عامل در بین دانشجویان دکتری را می‌توان یک آسیب اجتماعی نیز تلقی کرد. عدم گرایش دانشجویان دکتری به مطالعه می‌تواند عواقبی جدی برای جامعه در پیش داشته‌باشد. از جمله‌ی اولین پیامدهای آن کمبود تولیدات علمی و یا بارور نبودن و بی‌اثر بودن آنان است که می‌تواند ایستایی جامعه را نیز در پی‌داشته باشد. از آن‌جایی که بسیاری از دانشجویان دکتری به‌طور بالقوه می‌توانند منصب‌های خاص و حیاتی جامعه را بر عهده بگیرند و برخی دیگر به‌عنوان مدرس وارد دانشگاه‌ها می‌شوند، این عامل حتی می‌تواند زنگ خطری برای جامعه‌ی علمی و دانشگاهی باشد. در سوی مقابل، مطالعه می‌تواند یکی از عوامل موفقیت تحصیلی دانشجو و حتی در مراحل پس از اتمام تحصیل او باشد. این امر در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی (کارشناسی‌ارشد و به‌خصوص دکتری) نمود بیشتری دارد. از سوی دیگر، مرور پیشینه‌های موجود در حوزه‌ی مطالعه و خواندن نیز نتایج اندکی به‌بار آورده است و در این نتایج محدود نیز، پژوهشی که به‌طور خاص عوامل و موانع گرایش به مطالعه در دانشجویان تحصیلات تکمیلی را مورد بررسی قرار داده باشد دیده نمی‌شود و هیچ‌کدام به‌طور خاص موضوع مورد مطالعه‌ی این نوشتار نبوده‌اند. از این‌رو این موضوع نیازمند پژوهش جدی است. در بین ابعاد مختلف مطالعه، عوامل پیشران و بازدارنده از اهمیت بسیار

[1] Kachala
[2] Joubert et. al

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

بالایی برخوردار است. پژوهش حاضر براساس، این ضرورت شکل گرفته و به دنبال این است تا مشخص کند که چه عواملی به عنوان پیشران و چه عواملی به عنوان بازدارنده گرایش دانشجویان دکتری به مطالعه عمل می‌کنند.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی این پژوهش شناسایی عوامل و موانع مؤثر بر ترغیب یا دوری از مطالعه در بین دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی است. در این پژوهش منظور از مطالعه، «مطالعه‌ی تخصصی» است. یعنی هرگونه مطالعه‌ای که در چارچوب واحد، درس و رشته‌ی دانشگاهی بگنجد و برای انجام تکالیف، انجام پژوهش یا ارتقای سطح دانسته‌های خود در رشته‌ی تحصیلی یا حوزه‌ی تخصصی پژوهشی انجام گیرد و مطالعه‌ی آزاد و خواندن رمان، کتب علمی، هنری و همچنین روزنامه‌ها و مجلات عمومی را شامل نمی‌شود.

برای دستیابی به این هدف، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱. چه عواملی به عنوان پیشران دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران به سوی مطالعه عمل می‌کنند؟

۲. چه عواملی دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران را از مطالعه باز می‌دارند؟

پیشینهٔ تحقیق

نگارندگان این سطور با جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف، نتایج گوناگونی را بازیابی کرده‌اند. در برخی از پژوهش‌ها مهارت‌های مطالعه[1] بررسی شده است (مانند دیدارلو، خلخالی، رحیمی و الهیاری، ۱۳۹۲؛ مک‌نامارا و پینر[2]، ۲۰۰۵؛ فرگی، هاتلی، مورگان و هادسون[3]، ۲۰۰۸) و برخی دیگر، بر مطالعه، خواندن یا وضعیت منابع و کتاب‌های درسی و آموزشی در مدارس پرداخته‌اند (مانند پاک‌نهاد، وصفی و فهیم‌نیا، ۱۳۹۵؛ حریری و کرکوتی، ۱۳۹۴) و برخی دیگر بر تأثیر محیط دیجیتال و کتب الکترونیکی بر مطالعه (مانند ناصری و نوروزی، ۱۳۹۵؛ لرکی، عبدالهی، زمانی و کریمی، ۱۳۹۴) و نیز تأثیر کتابخانه‌ها بر گسترش فرهنگ مطالعه و ایجاد خلاقیت پرداخته‌اند (از جمله دهقانی‌راینی، هاشم‌زاده و نوکاریزی، ۱۳۹۴؛ حریری و پاگردکار، ۱۳۹۵) تأکید کرده‌اند. در ادامه به ذکر برخی از مهم‌ترین و مرتبط‌ترین مطالعات انجام‌یافته در این زمینه، ابتدا در داخل و سپس در خارج از کشور پرداخته خواهد شد.

دیانی و تقی‌پناهی (۱۳۸۷) عوامل مؤثر بر انگیزه‌های مطالعه دانش‌آموزان مقاطع پنجم ابتدایی و سوم راهنمایی شهر مشهد را بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد دانش‌آموزان مورد بررسی، کمابیش همهٔ انگیزه‌های خواندن را دارند و میزان این انگیزه‌ها از ضعیف تا متوسط، رتبه‌گذاری شده است. «رقابت»، «اهمیت»، «لذت» و «نمره» از انگیزه‌هایی بودند که در دانش‌آموزانِ مورد بررسی نسبت به بقیه در سطح بالاتری قرار داشتند و انگیزه‌های اجتناب از مطالعه، مطالعه به دلایل اجتماعی، مطالعه به‌قصد چالش برانگیزی و تکلیف، نسبت به بقیه‌ی انگیزه‌ها میانگین کمتری را به خود اختصاص دادند .

معرف‌زاده و ایرجی (۱۳۸۸) در پژوهشی عوامل پیشران و بازدارنده‌ی مطالعه در میان مراجعان کتابخانه‌های عمومی شهرستان ماهشهر را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که نقش خانواده، وجود کتابخانه در مدارس، گنجاندن ساعت مطالعه در برنامه درسی و اخلاق حرفه‌ای کتابداران در ترغیب مراجعان به کتابخانه‌های عمومی تأثیر زیادی داشته‌اند. در مقابل، نداشتن انگیزه، کمبود وقت، مناسب‌نبودن کتابخانه‌ها، گرانی کتاب و جهت‌گیری‌های جامعه به سمت مسائل اقتصادی باعث رکود و بازداشتن آنان به مطالعه استنباط شد.

خدمتی‌نژاد (۱۳۹۵) به بررسی عوامل پیشران و بازدارنده مطالعه در کتابخانه‌های عمومی استان اصفهان پرداخت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که «افزایش معلومات و آگاهی از اطلاعات جاری»، «علاقه به مطالعه و سرگرم‌شدن» و «ادامه تحصیل»، مهم‌ترین عوامل پیشران به مطالعه درسی؛ و «مطالعه والدین»، «برپایی نمایشگاه‌های کتاب» و «تشویق والدین» مهم‌ترین عوامل پیشران مطالعه غیردرسی بوده است. «نداشتن علاقه به مطالعه»، «عدم تنوع آثار» و «خوش‌بین‌نبودن به آینده» به‌عنوان مهم‌ترین عوامل بازدارنده مطالعه درسی و عوامل «عدم دسترسی به کتاب مناسب و موردنیاز»، «عدم رشد و کمبود کتابخانه‌های عمومی» و «گرانی کتاب و مشکلات اقتصادی جامعه» ازجمله مهم‌ترین عوامل بازدارنده مطالعه غیردرسی شناسایی شد.

یاری و اجاقی (۱۳۹۵) با رویکردی کیفی و روش تحلیل محتوا از دیدگاه کتابداران و اعضای کتابخانه‌های عمومی شهر کرمانشاه، به شناسایی عوامل مؤثر بر خواندن لذت‌بخش

[1] Study skills
[2] MacNamara & Penner
[3] Fergy, Heatley, Morgan & Hodgson

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

پرداختند. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی این عوامل در دو دسته‌ی درونی و بیرونی شدند. عوامل درونی (شخصی) اثرگذار بر خواندن لذت‌بخش شامل «علاقه»، «خودانگیختگی و اختیار»، «انگاره‌های خواندن»، «انگیزه‌ها»، «نیازها و هدف»، «پیش‌داشته‌ها»، «احساسات»، «کاربردنگری»، «شناخت»، «ارتباط و تعامل» و «پیوندها» است. عوامل بیرونی (غیرشخصی) در موضوع نهادها شامل زیرموضوعات «خانواده»، «نظام آموزشی»، «کتابخانه‌ها»، «خلق‌کنندگان محتوا»، «توزیع‌کنندگان محتوا»، و «رسانه‌ها» و در موضوع شرایط و امکانات، شامل زیرموضوعات «موضوع مطالعاتی»، «زمان»، «مکان» و «محمل‌های خواندن» می باشد.

همانگونه که عوامل پیشران و بازدارنده مطالعه در ادبیات علمی داخل کشور، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است، این موضوع در خارج از کشور نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در دو دهه‌ی گذشته، پژوهش‌های متعددی در این زمینه به انجام رسیده است:

فلورنس[1] (۲۰۰۸) در نتایج پژوهش خود به تأثیر به‌سزای خانواده در ایجاد عادت به مطالعه در دانش‌آموزان دست یافت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که والدینی که به میزان بیشتری فرزندان خود را به مطالعه تشویق می‌کنند فرزندانی با میزان مطالعه‌ی روزانه‌ی بیشتری دارند. به همین دلیل، لازم است تا فرهنگ مطالعه‌ی درسی و غیر درسی توسط والدین پرورش داده شود و مواد خواندنی برای فرزندان تهیه شود تا تمایل به مطالعه با سرعت بیشتری در زندگی نهادینه شود.

لو[2] (۲۰۰۹) در پژوهشی تفاوت انگیزه‌های مطالعه در میان دانش‌آموزان ابتدایی و متوسطه کشور هنگ‌کنگ را بررسی کرده است. پرسش‌نامه‌ی انگیزه خواندن ابزار گردآوری داده‌های این پژوهش بوده و نتایج نشان داد که دانش‌آموزان، بیشتر به انگیزه ذاتی و به‌دنبال آن خودکارآمدی، انگیزه بیرونی و انگیزش اجتماعی به مطالعه ترغیب شده‌اند.

نتایج پژوهش یوسف[3] (۲۰۱۰) نشان داد که بین درآمد خانواده و عادات خواندن و علاقه به مطالعه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین شغل پدر و عادت و علاقه خواندن دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در نهایت، نتایج حاکی از آن است که عوامل خانوادگی به‌شدت و به‌طور مثبت بر عادات و علاقه خواندن دانش‌آموزان قادر است تا تأثیر بگذارد.

اردم[4] (۲۰۱۵) در پژوهشی عادت مطالعه در بین دانشجویان دانشگاه آنکارا[5] و اروسیوس[6] در ترکیه را بررسی کرده است. نتایج نشان داد که جامعه مورد پژوهش در اوقات فراغت خود روزنامه و مجلات را مطالعه می‌کنند. آن‌ها از خواندن آثار ادبی، تاریخی، عاشقانه، سرگرم‌کننده و روان‌شناسی لذت می‌برند. آن‌ها نمی‌تواند زمان زیادی را به دلیل حجم بالای درس‌ها، مشغول‌بودن در دنیای مجازی، آماده‌سازی برای امتحانات و گذراندن زمان بر روی رایانه و اینترنت، به خواندن کتاب اختصاص دهند.

الزهرانی، پارک و تکیان[7] (۲۰۱۸) به بررسی عادات مطالعه‌ی زنان و مردان و میزان پیشرفت تحصیلی آنان پرداختند. نتایج نشان داد که عواملی مانند زمان مطالعه، مواد مطالعه، وقفه در مطالعه و لذت‌بردن از مطالعه در بین دانشجویان و معدل‌های آنان متفاوت است. همچنین تفاوت معنی‌داری بین هر یک از آنان و نیز اختلاف معنی‌داری به لحاظ جنسیت بین دانشجویان مشاهده می‌شود.

مگیولد[8] (۲۰۱۹) به بررسی سبک‌های یادگیری، عادات مطالعه و عملکرد علمی و میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه فیلیپین پرداخت. نتایج مطالعه نشان داد که دانشجویان سبک‌های متفاوت و گروهی را برای یادگیری ترجیح می‌دهند، اما وضعیت مطالعه و عادات مطالعه‌ی آن‌ها در سطحی متوسط است. این دانشجویان در مهارت‌های نوشتن، آموزش‌های والدین، اضطراب امتحانی خود، تفاوت‌ها و تأثیرات عادات مطالعه‌ی خود را به خوبی نشان می‌دهند. در واقع بین سبک‌های یادگیری، عادات مطالعه و نوع خواندن و عملکرد تحصیلی دانشجویان، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

اوکپبور[9] (۲۰۲۰) در پژوهشی به عوامل مؤثر در گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه در نیجریه پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه به راحتی نمی‌توانند به منابع چاپی دسترسی داشته‌باشند، در نتیجه این امر باعث شده است تا فرهنگ مطالعه در بین آنان در سطح ضعیفی ارزیابی شود. به عبارت دیگر، تأثیر دسترسی به منابع در پیش‌بینی فرهنگ کتاب‌خوانی دانش‌آموزان معنی‌دار بوده است.

مرور نوشتارها و پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که آنچه بیش از همه مورد توجه قرار گرفته، عوامل پیشران و بازدارنده به

[1] Florence
[2] Lau
[3] Yusof
[4] Erdem
[5] Ankara University
[6] Erciyes University
[7] Alzahrani, Park & Tekian
[8] Magulod
[9] Ukpebor

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

مطالعه در میان مراجعان به کتابخانه‌های عمومی و یا دانش‌آموزان در مدارس و ایجاد انگیزه در آنان بوده است، و جامعه‌ی پژوهش‌ها عموم مردم، اعضای کتابخانه‌ها، دانش‌آموزان یا دانشجویان را در بر گرفته‌است. هر چند در سال‌های اخیر، برخی از نشریات تخصصی حوزه‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی ویژه‌نامه‌هایی با موضوعات مطالعه و خواندن منتشر کرده‌اند[1]، اما لزوم انجام پژوهش‌هایی عمیق به ویژه با رویکرد کیفی همچنان احساس می‌شود تا چالش‌ها و شکاف‌ها شناسایی شده و با ارائه پیشنهادات در راستای رفع کمبودها گام‌هایی برداشته شود.

روش پژوهش

روش این پژوهش به لحاظ هدف از نوع مطالعات کاربردی و به لحاظ نحوه‌ی گردآوری داده‌ها از دسته‌ی پژوهش‌های توصیفی (غیرآزمایشگاهی) و از نوع پیمایشی است. به لحاظ رویکرد یا ماهیت داده‌ها، این پژوهش در زمره‌ی پژوهش‌های کیفی است. پژوهش‌های کیفی با داده‌هایی سروکار دارند که واقعیت‌های مورد مطالعه را به‌صورت کلامی، تصویری یا امثال آن نمایان کرده و مورد تحلیل قرار دهد. این پژوهش‌ها در شرایط طبیعی‌شان بررسی شده و کوشش می‌شود تا به معنایی که شرکت‌کنندگان در فرایند اجرای تحقیق به این پدیده نسبت می‌دهند، پی‌ببرند (بازرگان، ۱۳۸۹، ص ۲۹).

جامعه‌ی پژوهش را دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران در دانشگاه‌های دولتی، پیام نور و آزاد اسلامی تشکیل می‌دهند. گردآوری داده‌ها با کاربرد نمونه‌گیری هدفمند[2] انجام شده است. روش اجرای این پژوهش به صورت تحلیل مضمون[3] انجام شده است. تحلیل مضمون یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی است. در واقع تحلیل مضمون اولین روش تحلیل کیفی است. این روش، مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند (هالووی و تودرس[4]، ۲۰۰۳) و فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (بران و کلارک[5]، ۲۰۰۶).

ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساختاریافته است. از آنجا که یک پژوهشگر کیفی به دنبال ادراک آن معنایی است که افراد از دیدگاه خود به زندگی و وقایع جاری آن می‌دهند، در این مواقع، استفاده از مصاحبه کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. مصاحبه‌ی عمیق از این اعتقاد مبنا گرفته است که افراد، ذی‌صلاح‌ترین مرجع در بیان تجارب خود در رابطه با وقایع و پدیده‌ها به‌شمار می‌روند و اگر با افراد مختلفی مصاحبه شود، دیدگاه‌های گوناگون در آن مورد خاص گردآوری خواهد شد (حریری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۵). به این ترتیب، ابتدا، نگارندگان این سطور اقدام به انتخاب نمونه‌ی پژوهش کردند، در ادامه، پس از جلب رضایت مصاحبه‌شوندگان و اخذ وقت قبلی، فرایند انجامِ مصاحبه شروع می‌شد. به این صورت که با مطرح‌کردن موضوع، و ارزش‌ها و اهمیت بحث، شرکت‌کنندگان را به صحبت در رابطه با آن دعوت می‌کردند و پرسش‌هایی از آنان پرسیده می‌شد. سپس، در خلال صحبت و با توجه به پاسخ‌ها، بر اساس آنچه پژوهشگران در جریان مصاحبه مطرح می‌کردند، سؤالات بعدی را نیز شکل می‌دادند. در واقع بین طرفین جنبه‌ای تعاملی و مکالمه‌ای دو جانبه برقرار می‌شد. در این پژوهش تعداد ۳۳ دانشجو در مصاحبه شرکت داشتند. فرایند مصاحبه تا رسیدن به مرحله‌ی اشباع نظری ادامه یافت، به این معنی که حضور مصاحبه‌شونده‌ی دیگری، اطلاعات جدید و بیشتری به پژوهش اضافه نمی‌کرد. مصاحبه‌ها از طریق مراجعه‌ی حضوری، تماس تلفنی، پست الکترونیکی، ارسال و دریافت فایل صوتی و گفتگو در شبکه‌های اجتماعی انجام شده است. هر یک از مصاحبه‌های حضوری و یا صوتی، به‌طور میانگین از ۳۰ الی ۴۰ دقیقه به‌طول می‌انجامید .

پس از پایان‌یافتن مصاحبه‌ها، و پیاده‌سازی متن آن‌ها به صورت تایپ‌شده، اقدام به تحلیل مضامین موجود در هر یک از آن پرداخته شد. مضمون[6]، مبین اطلاعات مهمی درباره‌ی داده‌ها و سؤالات تحقیق است و معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (بران و کلارک، ۲۰۰۶)؛ در واقع، مضمون الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود (بویاتزیس، ۱۹۹۸، ص ۴) و یک ویژگی تکراری و متمایز در متن است که به نظرِ پژوهشگر نشان‌دهنده‌ی درک و تجربه‌ی خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (کینگ و هاروکس[7]،

[1] . از جمله چند شماره از نشریه تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی و فصل‌نامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات (کتاب ماه کلیات سابق).

[2] Purposive Sampling
[3] Thematic Analysis
[4] Holloway & Todres
[5] Braun & Clarke
[6] themes
[7] King & Horrocks

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

۲۰۱۰، ص ۱۵۰). پژوهشگران، در تحلیل مضامین اقدام به شناسایی هر دو دسته‌ی مضامین مشهود[1] و مضامین مکنون[2] نمودند. به این معنا که هم به استخراج معانی ظاهری یا آشکار داده‌ها و هم به ایده‌ها، مفروضات و مفاهیم نهفته در داده‌ها پرداختند. چون در بسیاری از موارد، مصاحبه‌شوندگان در بیان منظور خود، به صورت دقیق، روشن و واضح عمل نمی‌کردند. به این ترتیب، تحلیل مضامین طی ۳ مرحله انجام شد. در مرحله‌ی اول، به تجزیه و توصیف متن مصاحبه‌ها، یعنی ایجاد کدگذاری اولیه، تطبیق کدها با قالب مضامین، استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاری‌شده و پالایش و بازبینی مضامین اقدام شد. در مرحله‌ی دوم، به تشریح و تفسیر متن از طریق مرتب‌کردن مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و توصیف و توضیح آن‌ها پرداخته شد. در نهایت و در سومین مرحله، به ترکیب و ادغام متن و تدوین گزارش نهایی با مرتبط‌کردن نتایج تحلیل با پرسش‌های پژوهش و مبانی نظری و نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها مبادرت شد.

یافته‌های پژوهش

این بخش ارائه‌ی یافته‌ها و پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش را در بر می‌گیرد.

پرسش اول. چه عواملی به عنوان «پیشران» دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران به سوی مطالعه عمل می‌کنند؟

یکی از اهداف این پژوهش، که نخستین پرسش پژوهش را نیز در برمی‌گیرد، استخراج عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران به مطالعه می‌باشد. نتایجی که در ادامه بیان خواهد، پس از انجام تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی پژوهش به‌دست‌آمده که هر یک به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱. استاد

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که اساتید همواره به‌عنوان یک عامل مهم و مؤثر در ترغیب دانشجویان دکتری به مطالعه نقش داشته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که این امر از طریق شیوه‌های نوین تدریس و ارزشیابی، معرفی جدیدترین منابع و برقراری روابط دوستانه و صمیمانه رخداده است. اساتید دانشگاه‌ها همچنین می‌توانند از طریق دانش‌پژوهی و توانمندی پژوهشی، شخصیت خود، ارتباطات، روش تدریس، نظارت و ارزشیابی و اخلاق حرفه‌ای خود، بر انگیزه‌ی تحصیلی دانشجویان نیز تأثیر به‌سزایی داشته باشند (اسماعیلی، حزنی، موسی‌زاده و زواره، ۱۳۹۶؛ کمالی و عبدالله‌پورچناری، ۱۳۹۴).

برای نمونه یکی از پاسخ‌گویان بیان داشته است که:

"اساتید ما همیشه پیگیر کارهایی‌اند که به ما واگذار می‌کنند، همیشه به ما مقالات جدید پیشنهاد می‌دن، در برطرف‌کردن مشکلاتمان پیش‌قدم می‌شن، برخی از اساتید سرشار از انگیزه‌اند، ما با بعضی از اساتیدمان حتی مسائل و مشکلات شخصی و خانوادگی و غیردانشگاهی‌مون رو هم در میان می‌ذاریم، واقعاً ما از برخی از اساتید نه فقط شیوه‌ی مطالعه، بلکه شیوه‌ی زندگی رو هم یاد گرفته‌ایم."

۲. اجبار

عامل پیشران دیگر به مطالعه، «اجبار» بوده است. اجبار عاملی است که بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به آن اشاره کرده‌اند. این امر به صورت اجبار در انجام تکالیف یا گذراندن دروس، و ادامه راهی که به‌عنوان دانشجوی دکتری به آن وارد شده‌اند، نمود داشته است. هر چند اجبار یکی از عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان دکتری به مطالعه است، اما این عامل را نمی‌توان عاملی مثبت و مؤثر در دستیابی به اهداف و کسب موفقیت دانست. به بیانی دیگر، هر چند می‌توان دانشجویان را با اجبار به سمت مطالعه کشاند، اما این مطالعه‌ی برخواسته از این اجبار، تنها برای رفع نیاز در همان مقطع به‌کار خواهد رفت و کمتر می‌توان انتظار داشت که این مطالعه ادامه یابد و در وجود و علایق فرد ریشه بدواند. یکی از پاسخ‌گویان این مسئله را این‌گونه بیان کرده است:

"اساتید ما با ارائه‌ی برخی تکالیف به ما، ما رو مجبور به انجام‌شون می‌کنن، از این طریق، چه‌بسا با حوزه‌هایی کاری و پژوهشی آشنا شویم که تاکنون اصلاً توجه‌مون را به خود جلب نکرده باشد."

و برای نمونه در این زمینه می‌توان به پاسخ دانشجویی دیگر اشاره کرد:

"ما وارد راهی شدیم، و بالاجبار باید این راه را ادامه بدهیم و به اتمام برسونیم و اگر مطالعه‌ای می‌کنیم، یا تکلیفی انجام می‌دهیم به خاطر اجباری است که ما را وادار به این کار کرده."

۳. علاقه به مطالعه

عامل پیشران دیگر را باید به نوعی نقطه‌ی مقابل عامل پیشین دانست، این عامل «علاقه» است. علاقه به مطالعه، می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل گرایش افراد و به خصوص دانشجویان

[1] semantic themes
[2] latent themes

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

دکتری به مطالعه باشد. دانشجویی که با علاقه به سمت مطالعه می‌رود خسته نمی‌شود و همواره انرژی و انگیزه‌ی بیشتری برای ادامه‌ی راه خود دارد. او اگر با علاقه مطالعه کند، در دستیابی به اهداف خود مصمم‌تر بوده و در رسیدن به آن‌ها موفق‌تر است. دانشجو با علاقه‌مندی به مطالعه، خود به دنبال آن خواهد رفت. علاقه به مطالعه، فرد را به سوی کتابخانه و منابع اطلاعاتی گوناگون ترغیب می‌کند. او به اشتراک خوانده‌های خود با دیگران می‌پردازد و در ادامه، زمینه‌های نوشتن را در فرد پرورش می‌دهد. بنیان‌های تمامی این موارد، بحث علاقه‌مندی به مطالعه است.

یکی از پاسخگویان به این‌صورت علاقه را به عنوان عواملی مؤثر در گرایش خود به مطالعه بیان کرده است:

"من عاشق مطالعه‌ام، همیشه مطالعه می‌کنم و مطالعه‌ی تخصصی بیشترین حجم مطالعاتم رو به خودش اختصاص می‌ده، از طرف دیگر من عاشق رشته‌ام هستم و رشته‌ام و جذابیت دروس اون باعث می‌شن تا علاقه‌ی بیشتری در من به وجود بیاد."

٤. رشد، پیشرفت و ارتقای شخصی

یکی دیگر از عوامل پیشران، رشد، پیشرفت و ارتقای شخصی بوده است. هر انسانی در زندگی خود به دنبال پیشرفت است، و رشد و ارتقای شخصی از مهم‌ترین اهداف زندگی او را تشکیل می‌دهد. در این بین، مطالعه می‌تواند تأثیر به‌سزایی در تحقق این امر داشته باشد. داده‌های کیفی برآمده از انجام این پژوهش نشان می‌دهد که این مهم قادر است تا از طریق افزایش دانش، رشد برون‌دادهای علمی و به تبع آن پیشرفت تحصیلی و شغلی و در نهایت مطرح‌شدن در جامعه نمود پیدا کند. یکی از دانشجویان بیان داشته است که:

"کسی که مطالعه می‌کنه می‌تونه در جامعه‌ی علمی دیده بشه و حرفی برای گفتن داشته باشه، و من هم به دنبال همینم."

و دانشجوی دیگری در این زمینه بیان کرده است که:

"من مطالعه می‌کنم تا بتونم برون‌دادی داشته باشم، و ماها می‌تونیم با همین برون‌دادمون آینده‌ی خودمون رو بسازیم، و در موقعیت‌های مناسب شغلی و حرفه‌ای موفق باشیم."

همچنین می‌توان به شاهدی دیگر در این زمینه اشاره کرد:

"من همواره در صدد بودم که در یک حوزه‌ی خاص متخصص بشم، و بخاطر همین مطالعه می‌کنم."

همان طور که در سطور پیشین اشاره شد، نتایج تحلیل یافته‌ها، ۴ عامل «استاد»، «اجبار»، «رشد، پیشرفت و ارتقای شخصی» و «علاقه»، به عنوان مهم‌ترین عوامل موجود در ترغیب دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران در گرایش به مطالعه معرفی شدند.

پرسش دوم. چه عواملی دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران را از مطالعه باز می‌دارند؟

به‌منظور پاسخگویی به پرسش دوم، از نمونه پژوهش عوامل بازدارنده‌ی آنان از مطالعه سؤال شد که نتایج آن به قرار زیر تشریح می‌شود:

۱. آینده مبهم

بررسی داده‌های کیفی در حوزه‌ی عوامل بازدارنده از مطالعه نشان می‌دهد که «آینده مبهم» یکی از این عوامل بوده است. بیکاری و دغدغه‌ی پیدا کردن شغل و منبع درآمد، بالا رفتن سن و دغدغه‌ی ازدواج و مشکلات خدمت وظیفه عمومی زیرمجموعه‌های این عامل بوده است که چه‌بسا باعث شود دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی انگیزه‌ی و تمرکز لازم برای انجام مطالعه و پیشرفت خود را نداشته باشند. برای نمونه دانشجویی بیان داشته است که:

"من الان اواسط دکترا هستم، هنوز نه شغلی دارم و نه منبع درآمدی. نمی‌دونم در آینده قراره چی بشه، فقط اینو می‌دونم که دیگه چیزی بنام هیأت علمی‌شدن نیست و سازمان‌ها هم هرچقدر که مدرک افراد بره بالاتر سخت‌تر جذبشون می‌کنن. تو این اوضاع من می‌تونم تمرکز مطالعه هم داشته باشم؟."

و دانشجویی دیگر می‌گوید:

"یکی از مهم‌ترین دلایلی که آقایان اقدام به تحصیل می‌کنند فرار از خدمت سربازیه. این حقیقتی است که نشان می‌دهد هدف بسیاری از دانشجویان از ادامه تحصیل، علم‌اندوزی و مطالعه نبوده است."

۲. مشکلات دسترسی به منابع

نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که یکی از اساسی‌ترین مشکلاتِ پیش روی دانشجویان در انجام مطالعه، «مشکلات دسترسی» است. بسیاری از کتابخانه‌ها منابع مورد نیاز و پراستفاده‌ی دانشجویان را ندارند و یا اگر داشته باشند، آن تعداد موجود پاسخ‌گوی نیاز نیست و در سرویس‌دهی خود دچار مشکلاتی هستند. در این بین، قیمت فزاینده‌ی کتاب در سال‌های اخیر نیز باعث می‌شود که دانشجویان نتوانند آنچه که در کتابخانه نیافته‌اند را از کتابفروشی‌ها تهیه نمایند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان از قطعی مکرر پایگاه‌های اطلاعاتی دانشگاه‌های خود یا نداشتن اشتراک و مشکلات موجود در استفاده از آن‌ها معترض بوده‌اند و آن را عاملی بازدارنده معرفی

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

نموده‌اند. از سوی دیگر، نبود اینترنت یا پایین‌بودن سرعت آن در خوابگاه‌های دانشجویی نیز یکی دیگر از مسائلی بوده است که بر مشکلات موجود دامن می‌زند.

در این زمینه به چند مورد از پاسخ‌ها اشاره می‌شود:

"خیلی از منابعی که نیاز دارم در مجموعه‌ها نیست. یا اصلاً سفارش ندادن یا گم شده یا دست اساتید در امانت هست که بازگشتی هم در کار نیست. کتابای جدیدی که منتشر میشه خیلی دیر وارد کتابخونه‌ها میشه. کمتر در مورد کتاب‌های تازه منتشر شده اطلاع‌رسانی میشه. پایان‌نامه‌ها دیر به قفسه‌ها وارد میشه برای استفاده. استفاده از منابع کتابخونه فقط محدود به ساعات و روزهایی خاصی هست."

"پایگاه‌های اطلاعاتی قطع‌اند، گاهی اوقات وی‌پی‌ان[1]مون کار نمی‌کنه، بسیاری از کتاب‌های لاتین و به‌روز فول تکست‌شون پولیه، دانشگاه امکان خرید این کتاب‌ها رو برامون فراهم نمی‌کنه، حتی برخی از پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی‌مون هم پولیه و دانشگاه اشتراک نداره، تحریم و مشکل دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی جهانی، مشکلات مربوط به مجلات فارسی ما هم که کم نیست! زمانی مقالات چاپ و منتشر میشن که دیگه نتایجشون خیلی کارآمد و به‌روز نیست."

"در خوابگاه سرعت اینترنت خیلی پایینه و دچار قطعی مکرر میشه، سهمیه اینترنتمون واقعاً کمه. واقعاً دانشجوی دکترا باید سهمیه استفاده از اینترنت داشته باشه؟ انصافاً این مورد دیگه خیلی زشته."

۳. خانواده

نزدیک به ۷۰ درصد از پاسخ‌گویان، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، خانواده را به‌عنوان عامل بازدارنده از مطالعه‌ی درسی و تخصصی بیان‌کرده‌اند. تأهل و داشتن همسر و فرزند باعث شده تا دانشجویان دکتری نتوانند تمرکز لازم را برای مطالعه داشته باشند.

برای نمونه می‌توان به پاسخ‌های زیر اشاره کرد:

"من نه در خانه، و نه در محل کار، هیچ محیط مناسبی برای مطالعه ندارم. تا وقتی که سر کارم که مشغول درگیری‌های کار و شغلم هستم، تا وقتی که به خونه میرسم، بعد از کمی استراحت، یا باید مهمانی برویم، یا مهمانی م آید! و اگر نه مهمانی برویم و نه مهمان بیاید، صدای تلویزیون و صدای بچه ها نمیگذارد که تمرکز کافی برای مطالعه داشته باشم. و هر روز مطالعه را به روز بعد موکول میکنم."

"من کافیه که اقدام به روشن‌کردن کامپیوترم کنم، اون¬جاست که پسرم میاد و یا دوشاخه رو یا از برق می‌کشه، یا میگه برام کارتون بذار، یا." ...

٤. استاد

هرچند نتایج پرسش پیشین پژوهش نشان داد که اساتید به عنوان یک عامل ترغیبی در مطالعه‌ی دانشجویان عمل می‌کنند، اما پاسخ‌ها در این بخش نشان می‌دهد که نقش بازدارندگی استادها نیز برجسته است.

تحلیل یافته‌های کیفی پژوهش حاکی از آن است که ضعف در شیوه‌ی تدریس اساتید از جمله متکلم‌وحده بودن استاد و واگذاری کل ساعات و جلسات کلاس به دانشجویان می‌تواند عاملی بازدارنده در مطالعه‌ی دانشجویان باشد. همچنین عواملی همچون به‌روز نبودن و بی‌علاقگی اساتید و استفاده‌ی ابزاری از برخی دانشجویان، جنبه‌هایی است که به‌عنوان بازدارندگی اساتید از مطالعه توسط دانشجویان، از داده‌ها استخراج شده است.

نمونه‌های پاسخ ارائه شده‌ی زیر به‌عنوان شاهدی بر این ادعاست:

"اجبار اساتید به نوشتن مقاله مشترک به همراه دانشجویان جهت ارتقای علمی خودشان شدیداً من را از رفتن به سمت مطالعه باز می‌دارد."

"برخی اساتید انگیزه‌ی دانشجو را سلب می‌کنند و این کار را با کشاندن بحث‌ها به مباحث بی‌فایده‌ی حاشیه‌ای انجام می‌دهد."

"ما اساتیدی که سیر مطالعاتی دانشجو را در حوزه‌های تخصصی جهت‌دهی کنند به‌شدت کم داریم."

٥. رشد روحیه بی‌نیازی از مطالعه

از دیگر عوامل بازدارنده‌ی مطالعه در دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، باید به رشد روحیه بی‌نیازی از مطالعه اشاره کرد. این عامل در طولانی‌مدت می‌تواند طبعات جبران‌ناپذیری را برای آینده‌ی دانشگاه و صنعت و در نهایت کشور درپی داشته باشد. امروزه بنگاه‌ها و انواع شرکت‌های پژوهشی در حال گسترش‌اند که با دریافت مبالغی ناچیز اقدام به نگارش مقالات و حتی پایان‌نامه می‌کنند. دانشجویانی که خود اقدام به نگارش و پژوهش کرده‌اند نیز با دیگران یکسان فرض می‌شوند و در واقع ارزش مطالعه و مطالعه‌کننده آن‌طور که باید پاس داشته نمی‌شود. همچنین نتایج مصاحبه‌ها نشان داد که نظام نادرست استخدام در برخی از سازمان‌ها و جذب افراد غیر متخصص در پست‌های تخصصی به عدم تمایل دانشجویان به

[1] VPN

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

مطالعه دامن می‌زند. در نهایت، این وضعیت نتوانسته است دانشجویان را برای سیرهای مطالعاتی، به‌خصوص در ایام اوقات فراغت آماده کرده و پرورش دهد. پس می‌توان عامل بازدارنده‌ی رشد روحیه‌ی بی‌نیازی از مطالعه را ناشی از گسترش شرکت‌ها و بنگاه‌های پژوهشی، بی‌توجهی جامعه نسبت به مطالعه و مطالعه‌کننده، مشاهده افراد غیرمتخصص و نالایق در منصب‌های شغلی و فیزیکی و جسمانی‌بودن اوقات فراغت معرفی نمود.

"با وجود شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که اقدام به نگارش و چاپ پایان‌نامه و حتی نگارش مقاله‌های گوناگون، اعم از *ISC* و *ISI* می‌کنند، دیگر خیلی‌ها نیازی به مطالعه پیدا نمی‌کنن. و ما هم وقتی‌که می‌بینیم این همه مطالعه می‌کنیم، و یک اثر رو ارائه می‌دیم، و در مقابل می‌بینیم که یک نفر دیگر هیچ مطالعه‌ای نمی‌کنه، و او هم یک اثر ارائه می‌کنه، و به من میگن خانم/آقای دکتر، و به او هم میگن خانم/آقای دکتر، پس من دیگه چه نیازی به مطالعه دارم، چه انگیزه‌ای برای مطالعه دارم؟؟"

"محیط آکادمیک ما مطالعه¬محور نیست. باوری به لازم¬بودن امرِ ارزش مطالعه وجود نداره."

"یکی از مشکلات ما این است که اوقات فراغت در انظار ما کاملاً جسمانی است و نه روحانی و فکری. در چنین جامعه‌ای مطالعه صورت نمی‌گیرد. تلقی کشورهای اروپایی از اوقات فراغت فراتر از فیزیکی بودن آن است و به پرورش فکر و ذهن رسیده است."

۶. مشکلات و ضعف‌های نظام آموزشی

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که نظام آموزشیِ رشته علی‌رغم تغییر و تحولات بسیاری که در سال‌های اخیر و در مقاطع مختلف تحصیلی داشته است، همچنان دارای مشکلاتی است که بر فرایند مطالعه تأثیرات گسترده‌ای گذاشته است. عواملی همچون آموزش‌محور بودن (و نه پژوهش‌محور بودن) مقطع، وجود امتحانات اجباری (به سبک مقاطع تحصیلی پایین‌تر)، ضعف دانشجو در زبان انگلیسی، مشکلات موجود در واحدها و سرفصل‌های دروس (شامل ضعف در سرفصل‌ها، وجود تعداد زیاد دروس در مقطع دکتری، آشفتگی دروس) و ضعف منابعِ موجود، از مهم‌ترین عوامل بازدارنده در حوزه‌ی نظام آموزشی است که پیش روی دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی وجود دارد. به‌عنوان شاهد به پاسخ‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

"کتاب‌محور بودن نظام آموزشی (و نه متن‌محور و نه موضوع‌محور بودن): در این صورت است که دانشجو راضی به همان تک کتاب و یا دو کتابی که استاد معرفی می‌کند می‌شود و دیگر تمایلی به رفتن به سراغ کتاب‌های دیگر پیدا نمی‌کند."

"من متونی متناسب با مطلبی که در ذهنم وجود داره رو در زبان فارسی پیدا نمی‌کنم، و وقتی‌که هیچ مطلبی پیدا نکردم، چون تسلط کافی به زبان انگلیسی ندارم نمی‌تونم سراغ منابع غیرفارسی برم"!

"ما در هر نیمسال، در هر موضوع ۲ واحد می‌گذرانیم و بعد از آن دیگه اون واحد برای همیشه فراموش می‌شه. بسیاری از واحدهایی که ما در دوره‌ی دکتری می‌گذرونیم، در مقاطع پیشین هیچ اشاره‌ای از آن برامون نشده. کاملاً نامفهومه! کاملاً جدیده."

"نبود منابع جامع و کامل و مرتبط با درس‌های جدیدی که اخیراً به مقطع دکترا اضافه شده. بسیاری از دروس کاربردی نیستند، بلکه تئوری‌اند."

۷. عدم مشارکت در تدریس

یکی دیگر از عوامل بازدارنده از مطالعه مشارکت‌ندادن دانشجو در تدریس است. بررسی مصاحبه‌ها و داده‌های حاصل از آن نشان می‌دهد که سپردن برخی از دروس جهت تدریس یا مشارکت‌دادن در تدریس دروس کارشناسی سهم به سزایی در ایجاد علاقه، انگیزه و تشویق دانشجویان دکتری به امر مطالعه دارد.

"قبلاً برخی از دروس به دانشجوهای دکترا سپرده می‌شد، ولی الان چندین سال که دیگر خبری از آن تدریس‌ها نیست. نمی‌دانم علت چیست! این تدریس‌ها بسیار برای دانشجویان دکتری کارساز بود! دانشجوی دکترا غرق در تلاش و کوشش برای بالا کشاندن خود می‌شد! او مجبور بود مطالعه کند، پژوهش کند، مجبور بود آن‌قدر بخواند که اگر دانشجویی از او سؤال کرد او را دست‌خالی نگذارد! وقتی‌که یک دانشجوی دکترا که می‌بیند که ترم‌های آخر دانشجویی خود را سپری می‌کند، وقتی‌که می‌بیند چند روز دیگر جلسه‌ی دفاع دکترایش فرارسیده، ولی هنوز اساتید به او اعتماد و اطمینان نکرده که حداقل ۲ واحد تدریس کند، دیگر چه انگیزه و چه نیازی به مطالعه می‌بیند؟."

در انتها با استفاده از یافته‌های این پژوهش، به ترسیم مدل مفهومی اقدام می‌شود (شکل ۱).

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

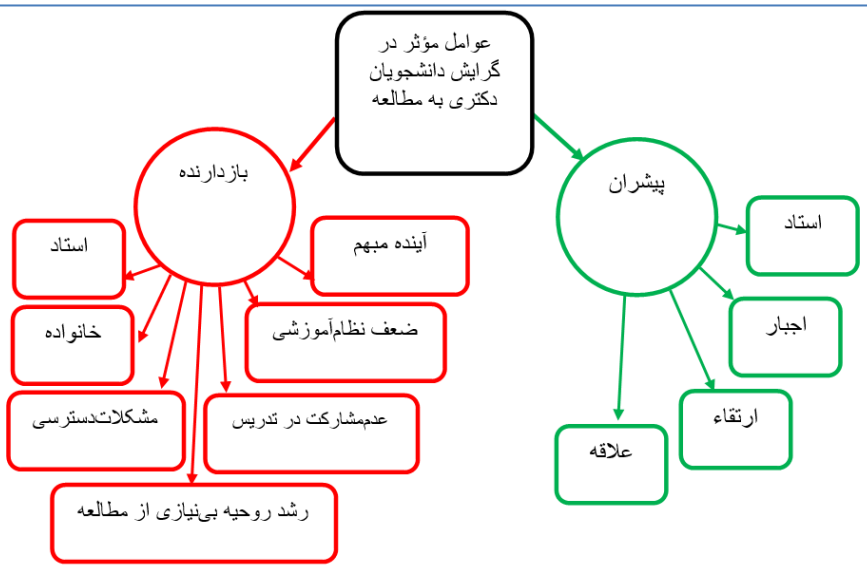

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه یکی از عوامل پیشرفت و ارتقاء در گروه‌های مختلف جامعه به‌خصوص دانشجویان است. این امر در بین دانشجویان دکتری نمود بیشتری دارد؛ چراکه این دوره به واسطه‌ی ماهیت آن و انتظاراتی که از یک دانشجوی دکتری و در مراحل بعد از فارغ‌التحصیل از این مقطع می‌رود، مطالعه بیشتر و عمیق‌تری را می‌طلبد. این پژوهش به دنبال بررسی عوامل پیشران و بازدارنده از مطالعه در بین دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران بود. نتایج بررسی، از یک سو عواملی همچون «استاد»، «علاقه»، «اجبار» و «رشد، پیشرفت و ارتقای شخصی» را به‌عنوان عوامل پیشران؛ و از سوی دیگر، «آینده مبهم»، «مشکلات دسترسی»، «خانواده»، «اساتید»، «رشد روحیه بی‌نیازی از مطالعه»، «مشکلات و ضعف‌های نظام آموزشی» و «عدم مشارکت در تدریس» به‌عنوان عوامل بازدارنده از مطالعه شناسایی شدند.

همان‌طور که نتایج نشان داد، اساتید هم می‌توانند به‌عنوان عامل پیشران و عامل هم بازدارنده باشند. زمانی که استادی در دانشجو انگیزه و علاقه ایجاد کند، از شیوه‌های نوین تدریس استفاده کند و بر حفظیات همچون دوره‌های دیگر تحصیلی تکیه نکند، کلاس‌ها پژوهش‌محور و به‌صورت بحث و تبادل‌نظر باشد و بتواند رابطه‌ی دوستانه و صمیمی با دانشجویان دکتری داشته باشد. از سوی دیگر اگر طوری تعامل علمی با دانشجو داشته باشد تا این احساس در وی پدید نیاید که از دانشجو به‌عنوان ابزاری برای افزایش تولیدات علمی و ارتقا استفاده شده، و نیز به‌روز و علاقه‌مند باشد، می‌تواند زمینه‌های ترغیب دانشجو به سمت مطالعه را افزایش دهد و در عین حال عوامل بازدارنده را هم از بین ببرد. نگاهی به دیگر عوامل نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها نیز به‌نوعی به استاد و مدرس مرتبط است. برای مثال عواملی مانند «اجبار» به انجام تکالیف و پژوهش و «علاقه» به‌عنوان عوامل ترغیبی و عواملی همچون «مشارکت‌ندادن در تدریس» و بخشی از «مشکلات و ضعف‌های نظام آموزشی» و همچنین «بی‌نیازی از مطالعه» به‌عنوان عوامل بازدارنده می‌تواند با مشارکت اساتید تقویت یا رفع شود.

علاقه‌ی دانشجو می‌تواند یک تقابل و رویارویی سخت، در مواجهه با عوامل بازدارنده داشته باشد. دانشجو باعلاقه‌ی شخصی خود به حوزه‌های مطالعاتی گوناگون می‌تواند بسیاری از عوامل بازدارنده را از پیش روی کنار بزند. نتایج پژوهش خدمتی‌نژاد (۱۳۹۵) نیز نشان داد که علاقه به‌عنوان یکی از عوامل پیشران به مطالعه درسی در کتابخانه‌های عمومی استان اصفهان بوده است.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد عوامل بازدارنده بسیار بیشتر از عوامل پیشران هستند. متأسفانه بسیاری از دانشجویان دوره دکتری را عاملی برای یافتن شغل و موقعیت اجتماعی بالاتر در نظر می‌گیرند و زمانی که وارد این دوره شده و به این نتیجه می‌رسند که این هدف دست‌نیافتنی و یا به‌سختی قابل‌دستیابی است و «آینده مبهمی» در پیش رو دارند دیگر به سمت مطالعه نخواهند رفت. با راهکارهایی همچون به مدیریت و برنامه‌ریزی در جذب دانشجویان دکتری، استفاده از فارغ‌التحصیلان دکتری

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

در گروه‌های پژوهشی جهت حل مسائل و مانند این می‌توان فرصت‌های شغلی دیگری غیر از هیئت‌علمی را برای آن‌ها فراهم کرد تا خود انگیزه‌ای جهت از بین بردن آینده مبهم و ایجاد شوق و انگیزه جهت بهره‌برداری بهتر از فرصت دوران دانشجویی دکتری باشد. نتایج یافته‌های معرف‌زاده و ایرجی (۱۳۸۸) مؤید این نکته است که نداشتن انگیزه می‌تواند عاملی مهم در کشش به سمت مطالعه باشد. همچنین نتایج پژوهش خدمتی‌نژاد (۱۳۹۵) نیز نشان می‌دهد که ابهام نسبت به آینده از عوامل بازدارنده از مطالعه بوده است. لذا نتایج پژوهش‌های مذکور را می‌توان هم‌سو با یافته‌های این پژوهش دانست.

«مشکلات دسترسی» که به‌عنوان یکی دیگر از عوامل بازدارنده معرفی شد، با برخی اقدامات و سرمایه‌گذاری‌ها و تغییر سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها نیز قابل‌رفع است. با مشارکت و مدیریت بهتر کتابخانه‌ها و کتابداران و تهیه کتاب‌های پُرمتقاضی، رفع مشکلات در دسترسی به اینترنت از جمله خرید اینترنت با سرعت و پهنای باند بالا در دانشگاه‌ها و به‌خصوص خوابگاه‌ها، و اشتراک نشریات و پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی، به‌عنوان یکی از ضروری‌ترین نیازهای دانشجویان در مقاطع تحصیلات تکمیلی و مانند آن نیز، امکان رفع این عامل بازدارنده وجود دارد. بخشی از نتایج پژوهش خدمتی‌نژاد (۱۳۹۵) نیز نشان داد که کمبود منابع می‌تواند عامل بازدارنده نسبت به مطالعه باشد. معرف‌زاده و ایرجی (۱۳۸۸) هم گرانی کتاب را از جمله عوامل بازدارنده‌ی مطالعه معرفی کرده‌اند.

هرچند «خانواده» به‌عنوان مهم‌ترین نهاد جامعه، به صورت بالقوه می‌تواند عامل مؤثری جهت انگیزه و ارتقا باشد، اما نتایج نشان داد که تأهل و داشتن همسر و فرزند مشکلاتی را بر سر راه مطالعه دانشجویان دکتری ایجاد کرده است. البته اگر عوامل پیشران به خوبی تقویت شوند یا بتوان این عوامل بازدارنده را تعدیل کرد، می‌توان انتظار داشت که سهم خانواده را در بازداشتن دانشجویان به سمت مطالعه کمتر نمود. برای نمونه درصورتی‌که فضا و امکانات مناسبی در کتابخانه‌ها و دانشکده‌ها جهت مطالعه و پژوهش دانشجویان دکتری اختصاص داده شود و خود دانشجویان نیز تمایل به حضور بیشتر در دانشکده‌ها و گروه‌های خود داشته باشند، می‌توانند از این زمانِ حضور استفاده بیشتری برده تا در زمان فراغت از کار و تحصیل و در محفل خانواده نیاز به انجام مطالعه نداشته باشند و بتوانند وقت خود را به خانواده و دیگر امور اختصاص دهند. نتایج نشان داد که پژوهش حاضر مخالف با یافته‌های فلورنس (۲۰۰۸) و یوسف (۲۰۱۰) می‌باشد. پژوهش‌های مذکور، خانواده را از مهم‌ترین عوامل پیشران به مطالعه معرفی کرده بودند.

ضعف برخی از اساتید در شیوه‌ی تدریس خود، باعث کم‌شدن رغبت برخی از دانشجویان جهت رفتن به سمت مطالعه شده است. شایسته است تا برای جبران این کاستی تحولی در شیوه‌های تدریس به وجود آید. نکته‌ی مهم این است که تا تغییرات بنیادی در روش‌های تدریس و محتوای درسی در نظام آموزشی به وجود نیاید، دانشجویان کمتر به مطالعه روی خواهند آورد. بالا رفتن نظارت و برخورد با شرکت‌های پژوهشی و دانشجویانی که نیازهای پژوهشی و مطالعاتی خود را از این مکان‌ها تأمین می‌کنند از ابتدایی‌ترین اقداماتی است که برای زدودن رشد روحیه‌ی بی‌نیازی از مطالعه می‌توان انجام داد. در جامعه تا زمانی که ارزش مطالعه و مطالعه‌کننده پاس داشته نشود نمی‌توان انتظار داشت که افراد به سمت آن روند.

نتایج نشان داد که «ضعف‌ها و مشکلات نظام آموزشی» از مهم‌ترین عوامل بازدارنده‌ی دانشجویان به مطالعه است. نظام آموزشی که مبتنی بر محفوظات باشد و پژوهش و مطالعه جایی نداشته باشد، ترغیب دانشجو به مطالعه کم می‌شود و این‌ها باعث خواهد شد تا عادت به مطالعه نیز در او شکل نگیرد. به نظر می‌رسد که امتحانات و شیوه‌های تدریس مقطع دکتری هنوز به مانند مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی‌ارشد است و دانشجویان مجبورند به جای تحقیق و پژوهش و متخصص‌شدن در حوزه‌های خاص، باید تعدادی زیادی واحد پاس کنند، در حالی که آنچه در مقطع دکتری باید نهادینه شود پژوهش و پژوهشگری است، و آنچه در وهله‌ی اول نیاز یک پژوهشگر است مطالعه‌ی اوست. در راستای موفقیت در امر پژوهش، زبان انگلیسی نقش شایانی دارد. امروزه بسیاری از متون مهمِ موجود به زبان انگلیسی است. عدم تسلط و آشنایی دانشجو با این زبان به معنای از دست‌دادن طیف گسترده‌ای از نوشته‌های موجود است. البته این مسئله یکی از مشکلات بنیادی دانشجویان است که ریشه‌های آن را باید از دوران پیش از ورود به دانشگاه و مقاطع دبیرستان و پایین‌تر جستجو کرد. ضعف منابع موجود هم از دیگر کاستی‌های موجود است که با توجه به تغییرات اساسی بسیاری از سرفصل‌های رشته‌ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی در مقاطع تحصیلی مختلف و در سال‌های اخیر، همچنان کتب و منابعی متناسب با این سرفصل‌ها نگاشته نشده است. به این‌معنا که سرفصل‌هایی جذاب موجود است، اما منابعی که این سرفصل‌ها را پوشش داده و آموزش دهد کم است. شایسته است در این راستا برنامه‌ریزی‌هایی صورت پذیرد تا با ترجمه یا نگارش متون مختلف، ضعف منابع درسی کاسته شود.

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

در کل نتایج تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل پیشران و عوامل بازدارنده‌ی دانشجوهای علم اطلاعات و دانش‌شناسی از مطالعه، بسیار درهم‌تنیده بوده و به‌هم در ارتباط و با هم همپوشانی دارند. برخی از این عوامل بر برخی دیگر تأثیر می‌گذارند و به نوعی علت و معلول یک‌دیگرند. در نهایت می‌توان از یافته‌های این پژوهش به این نتیجه رسید که عوامل بازدارنده مطالعه در بین دانشجویان دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران بیشتر از عوامل پیشران به مطالعه است و این امر تلاش بیشتر اساتید، گروه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی و برنامه‌ریزان درسی در سطح کلان، کتاب‌خانه‌ها و کتابداران، سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان، و تلاش و برنامه‌ریزی بیشتر خود دانشجویان دکتری را می‌طلبد. لازم است تا نظام تعلیم و تربیت و نظام آموزش در دانشگاه‌ها از نظام تک‌متنی و متکلم وحده بودن خارج شود. به این ترتیب، تا تغییرات بنیادی در روش‌های تدریس و محتوای درسی در نظام آموزشی به وجود نیاید، دانشجویان کمتر به مطالعه و پژوهش روی می‌آورند. پیشنهادهای کاربردی حاصل از پژوهش به صورت زیر است:

۱. پیشنهاد می‌شود که نشست‌های صمیمانه، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، نشست‌های معرفی و نقد کتاب‌ها و غیره برگزار گردد.

۲. پیشنهاد می‌شود تا زمینه‌ها و علائق مطالعاتیِ تخصصی دانشجویان شناسایی‌شده و با اجرای سیرهای مطالعاتی، و مدیریت آن‌ها توسط دانشگاه، به برانگیختن و تقویت علائق دانشجویان اقدام شود.

۳. پیشنهاد می‌شود تا همواره در هر زمینه‌ای نظام ارتقاء به بهترین نحو ممکن بر اساس شایسته‌سالاری باشد تا دانشجو بداند که اگر تلاش کند می‌تواند به آنچه حق خود است، دست یابد.

۴. پیشنهاد می‌شود تا با برنامه‌ریزی‌های مناسب در دولت و به تبع آن در نظام دانشگاهی و برقراری ارتباطات شایسته بین صنعت و دانشگاه، آینده‌ای روشن و تحقق‌پذیر را در ذهن دانشجویان ترسیم کنند.

۵. پیشنهاد می‌شود تا زیرساخت‌های اینترنتی در دانشگاه و مکان‌های تابع آن اصلاح‌شده و ارتقاء یابد. از سوی دیگر، دانشگاه‌ها برنامه‌ریزی جدی جهت اشتراک نشریات علمیِ مختلف داشته‌باشند. همچنین خرید کتاب بر اساس خواست و نیاز دانشجو باشد، از کتاب‌های پرمراجع و پرطرفدار چندین نسخه خریداری شود تا هر یک از کاربران بتوانند از آن‌ها استفاده کنند، آماده‌سازی منابع جهت ورود به قفسه و امانت آن سریعتر انجام شود، و در نهایت نظامی طراحی و تدوین گردد تا دانشجویان بتوانند منابع ارزشمندی مانند پایان‌نامه‌ها را که اغلب امکان امانت آن وجود ندارد، به صورت الکترونیکی و حتی در محیطی خارج از دانشگاه بتوان مطالعه و استفاده کرد.

۶. پیشنهاد می‌شود تا اعضای هیأت علمی با بهبود مداوم سبک تدریس و برگزیدن شیوه‌های نوین آموزش و سپردن هر یک از دروس به مدرسان متخصص همان درس توسط گروه‌های آموزشی، اقدام به برانگیختن علاقه به مطالعه در دانشجویان نمایند.

۷. پیشنهاد می‌شود تا دروس و واحدها مطالعه‌محور شوند، به این معنی که جهت گستردن دانسته‌های دانشجو، او را به مطالعه بکشاند، همچنین دانشگاه‌ها برای ایام فراغت دانشجویان هم به فکر باشند و با برنامه‌ریزی‌های مناسب، با برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی به تقویت مهارت‌های مختلف فنی و نظری دانشجو همت گمارند.

۸. پیشنهاد می‌شود تا با تأکید صرف بر جنبه‌ی آموزشی هر یک از دروس، جنبه‌ی پژوهشی آن را نیز در نظر گرفت. به این معنا که نظام آموزشی به سمت پژوهش‌محوری پیش رود، و از تمرکز بر یک یا دو کتاب خارج شود، و دانشجو را به سمت مطالعه و تحقیق کشاند.

۹. پیشنهاد می‌شود گروه‌های آموزشی ترتیبی اتخاذ نمایند که هر نیمسال دانشجوهای مستعد و علاقه‌مند را در تدریس مشارکت دهند.

در این پژوهش به بررسی پیشران‌ها و بازدارنده‌های «مطالعه‌ی تخصصی» و مرتبط با درس و رشته‌ی دانشگاهی پرداخته شد. از آنجایی که امر مطالعه یک موضوع دامنه‌دار و نیازمند

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

بررسی‌های مداوم و عمقی از زاویه‌های مختلف است، برای تداوم مسیر پژوهش کنونی توسط سایر پژوهشگران علاقه‌مند، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

در پژوهشی جداگانه، عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مطالعه‌ی آزاد، و کتاب‌های غیردرسی و روزنامه‌ها و مجلات عمومی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

پیشران‌ها و بازدارنده‌های شناسایی‌شده در این پژوهش، به‌طور جداگانه و به صورت گسترده، بررسی و ریشه‌یابی شود.

چنین پژوهشی در میان دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی‌ارشد نیز انجام و نتایج آن‌ها با نتایج این پژوهش مقایسه شود.

عوامل درونی و بیرونی شناسایی‌شده با روش‌های مختلفی از جمله روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه رتبه‌بندی و میزان تأثیر هر کدام بر عواملی از جمله پیشرفت تحصیلی به صورت عمیق بررسی شود.

«عادت‌های مطالعه»ی دانشجویان شناسایی و تحلیل شوند.

References

Adler, M. J., Vandorn, C. L. (2017). How to read a book? Translated by Mohammad Sarraf Tehrani. Mashhad: Publisher. (Persian)

Alzahrani, S. S., Park, Y. S., Tekian, A. (2018). Study habits and academic achievement among medical students: A comparison between male and female subjects. Medical Teacher, 40 (1), 1-9.

Bazargan, Abbas (2010). Introduction to Qualitative and Mixed Research Methods: Common Approaches in Behavioral Sciences. Tehran: Meeting. (Persian)

Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in sychology. 3 (2), 77-101.

Dayani, M. H., Taqi Panahi, F. (2008). Investigating the factors affecting study motivation in elementary and middle school students. Library and Information Science, 3 (11), 29-56. (Persian)

dehghani rayeni H, Hashemzadeh M J, Nowkarizi M. (2016). The Role of the Public Libraries of Kerman Region in Iran on Promoting Users' Reading Culture. Research on Information Science & Public Libraries. 22 (2): 229-246 (Persian)

Didarloo, A., Khalkhali, H., Rahimi, B., Allahyari, T. (2013). Study Skills and Factors influencing it among Health Sciences Students of Urmia University of Medical Sciences. Iranian Journal of Medical Education. 13 (9): 753-762 (Persian)

Erdem, A. (2015). A research on reading habits of university students: (Sample of Ankara University and Erciyes University). Procedia-Social and Behavioral Sciences, 174, 3983-3990.

Esmaeili, M. R., Hozni, S. A., Mosazadeh, B., Zavareh, A. (2017). Good Teacher's Characteristics and its Influence on Dental Students Academic Motivation in Guilan University of Medical Sciences. RME; 9 (3), 18-10. (Persian)

Fergy S, Heatley S, Morgan G, Hodgson D. (2008). The impact of Pre-entry study skills training Programmers on students, first year experience in health and social care Programmers. Nurse Educ Pract. (1), 20-30.

Florence, F. F. (2012). Effects of Environmental Factors on Student's Reading Habits in Yagba East Local Government Area of Kogi State. Universal Journal of Education and General Studies, 1 (6), 153-157.

Hariri N, Pagardkar Y. (21016). Determine the effect of storytelling in public libraries on the creativity of preschool children: An experimental research. Research on Information Science & Public Libraries; 22 (2): 195-212. (Persian)

Hariri N., Karkouti, S. (2015). The causes of interesting in reading popular psychology books (Case study: The libraries of Tehran Municipality Art and Cultural Organization). Research on Information Science & Public Libraries. 21 (2): 199-215 (Persian)

Hariri, Najla (2006). Principles and methods of qualitative research. Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch. (Persian)

Holloway, I. & Todres, L. (2003). The Status of Method: flexibility, Consistency and Coherence. Qualitative Research, 3 (3), 345-357.

Joubert, I., Ebersohn, L., Ferreira, R., Plessis, L. D., & Moen, M. (2014). Establishing a reading culture in a rural secondary school: A literacy intervention with teachers. Journal of Asian and African Studies, 49 (4), 399– 412. DOI: 10.1177/0021909613487676.

Kachala, F. (2007). Developing a reading culture among the rural masses of Mwambo, Zomba District, Malawi: A concept for the 21st century and beyond. Paper presented at World Library and Information Congress: 73RD IFLA General Confer-

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]

ence and Council, (pp.1–14). 19-23 August 2007, Durban, South Africa.
Kamali, Yahya; Abdullah Pourchanari, Mohammad (2015). Investigating the characteristics of a good professor from the perspective of political science students of Shahid Bahonar University of Kerman. Education and Evaluation, 8 (30), 140-117. (Persian)
Khadji Nejad, K. (2015). Investigating the motivating and inhibiting factors of the study among the clients of public libraries of Isfahan province. Master Thesis. Faculty of Educational Sciences and Psychology. University of Esfahan. (Persian)
King, N., & Horrocks, C. (2010). Interviews in qualitative research, London: Sage.
Larki P, Abdolshi M, Zamani E, Karimi R. (2015). Study of the Impact of Electronic Interactive Books on Creativity, Interest and Self-Efficacy of Student Users of Public Libraries (A Case from Honar & Andisheh Library of Fouladshar) . Research on Information Science & Public Libraries. 21 (2), 309-323 (Persian)
Lau, K. L. (2009). Grade differences in reading motivation among Hong Kong primary and secondary students. British Journal of Educational Psychology, 79(4), 713-733.
Maarefzadeh, Abdul Hamid; Irji, Shahrzad (2009). Investigating the motivating and inhibiting factors of the study among the clients of public libraries of Mahshahr city. Information Research and Public Libraries, 16 (1), 143-170. (Persian)
MacNamara D, Penner K. (2005). First-year math students: using study skills and motivation to Predict academic success; [citd 2018 Nov 25]. Available from: http://www.kwantlen.ca/__shared/assets/Math_Retention_Study2878.pdf
Magulod, G. C. (2019). Learning Styles, Study Habits and Academic Performance of Filipino University Students in Applied Science Courses: Implications for Instruction. Journal of Technology and Science Education, 9(2): 184-198.
Naseri, Z, Noruzi, A. (2016). The Effect of Digital Age on Youth Reading Habits and practices. Research on Information Science & Public Libraries. 22 (2), 213-227 (Persian)
Paknahad, S., Vasfi, M., Fahimnia, F. (2016). Children and Adolescent Books Distribution Problems in Iran: Viewpoints of Professional Publishers of the Field. Research on Information Science & Public Libraries. 22 (2), 291-308. (Persian)
Ranaee, H., Shamshiri, B., Ali Mohammadlu, M., Nazari, P. (2017). Identify effective indicators to assess of the educational services quality (Case Study: Shiraz University). A new approach in educational management, 8 (3), 187-210. (persian)
Ukpebor, C. O. (2020). Availability of Print Resources as a Factor Affecting Reading Culture of Secondary School Students in Edo State, Nigeria. Libri, 70 (2), 157–167.
Yari, S, Ojaghi, R. (2017). Identifying the Effective factors on Pleasure reading. Human Information Interaction. 3 (4). (Persian)
Yusof, N. M. (2010). Influence of Family Factors on Reading Habits and Interest among Level 2 Pupils in National Primary Schools in Malaysia. Procedia- Social and Behavioral Sciences, 5, 1160-1165.
Zarif Ghasemiyan, N. (2016). Analysis of the relationship between free study and academic achievement of psychology students at Ferdowsi University of Mashhad. Information Management Science and Technology, 2 (1), 57-75. (Persian)

[Downloaded from hii.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24237418.1401.9.4.5.7]